

جایگاه قدرت نرم در اندیشه‌ی سیاسی امام علی (علیه‌السلام)

دکتر علی آدمی^۱

مرضیه محمدی نسب^۲

چکیده

این نوشتار، با استناد به سیاست‌های راهبردی و اجرایی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، جایگاه بنیان‌های نظری و عملی قدرت نرم در اندیشه‌ی سیاسی امام علی (علیه‌السلام) را مورد بررسی قرار می‌دهد. با توجه به این‌که مبحث قدرت نرم که در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ توسط جوزف نای در اندیشه‌ی لیبرالیسم مطرح شد بر اساس مبانی سکولاریستی قابلیت تفسیر و تحلیل را دارد لذا مؤلفه‌ها و لوازم تحقق قدرت نرم در حکومت اسلامی با استناد به رهیافت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) به مثابه‌ی تجسم عینی کتاب خدا و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مورد تفسیر و تحلیل قرار می‌گیرد تا ماحصل این مباحث، وجوه تمایز قدرت نرم غربی و قدرت نرم اسلامی را نمایان کند.

سؤال اصلی پژوهش این است که قدرت نرم چه جایگاهی در اندیشه‌ی سیاسی امام علی (علیه‌السلام) دارد؟ فرضیه و ادعای اصلی این پژوهش آن است که امام علی (علیه‌السلام) با طرح موضوعاتی هم‌چون دعوت، تبلیغ، نفوذ و تکریم انسانیت، جایگاهی ممتاز و تأثیرگذار برای قدرت نرم دارد.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌های سیاسی، افکار عمومی، توازن حقوق، عدالت، قدرت نرم.

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

^۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی.

Status of Soft Power in Political Thought of Imam Ali (pbuh)

Abstract

The presented paper studies the status of theoretical and practical foundations of soft power in political thoughts of Imam Ali (pbuh), referring to his strategic and operational policies. Since the idea of soft power, which was first raised by Joseph Nye in liberalism, is interpreted and analyzed based on the principles of secularism, so the components for the realization of soft power in the Islamic state are analyzed according to Imam Ali's approach, regarding him as the embodiment of the book of Allah and Sunnah of the Prophet (pbuh). The results of this discussion show the distinctive aspects between the Western soft power and the Islamic Soft power.

The main question is what position in the political thought of Imam Ali 's (pbuh) soft power? The main hypothesis of this study claim that Imam Ali (pbuh) with issues such as invitations, promote, influence and respect humanity, privileged and influential position for soft power.

Key words: political values, public opinions, the balance of rights, justice, soft power.

مقدمه

از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، مقوله‌ی قدرت نرم توسط جوزف نای در گفت‌وگوهای لیبرالیستی مطرح شد. به عقیده‌ی وی قدرت نرم، توان ایجاد جذابیت برای رسیدن به نتایج دلخواه، بدون تهدید و تشویق آشکار و ملموس است. بر این پایه مهم‌ترین عنصر قدرت نرم، توان ایجاد جذابیت است، جذابیت‌هایی که در بازتاب ارزش‌های انسان‌دوستانه در فرهنگ، سیاست، و اقتصاد نهفته است.

ایده قدرت نرم با تمرکز بر نامحسوس بودن و متقاعد کردن و جاذبه‌ای که مشتاقانه به‌نظر می‌رسد، متفاوت از قدرت سخت است اما هنوز چینش و نظم برون‌داد و خروجی قدرت نرم در یک تجزیه و تحلیل منطقی و قاعده‌مند مشکل است (Hayden, 2012:28). قدرت نرم توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران است (نای، ۱۳۸۶: ۱۱۰). باید توجه داشت که مهم‌ترین ارزش انسان‌دوستانه‌ی جهان‌شمول «عدل» است که رعایت آن، کلیه‌ی ارزش‌های جهان‌شمول در چارچوب حقوق بشر را در برمی‌گیرد، و این در حالی است که در اسلام، جایگاه «عدل» در ردیف اصول دین قرار دارد، دینی که دیانت و سیاست آن مکمل هم هستند، پس «عدالت» ارزشی زیربنایی در اسلام سیاسی است، ارزشی که نه در محوریت فرد، که در محوریت وحدانیت پروردگار قرار می‌گیرد، پس خروجی‌های قدرت نرم اسلامی، متفاوت از قدرت نرم غربی است، تفاوتی که فهم آن نیازمند بررسی قدرت نرم در اسلام می‌باشد، و بهترین شاخص بررسی قدرت نرم اسلامی، اندیشه‌ی سیاسی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) است.

مؤلفه‌هایی همانند جذابیت، مشروعیت، حقانیت، مقبولیت، الگوسازی و ... شاخص‌های قدرت نرم است؛ این شاخص‌ها بازتاب مؤلفه‌های مدیریتی هم‌چون دعوت، تبلیغ، نفوذ، تکریم انسانیت، حقوق بشر، آزادی، عدالت، کمک‌های بشردوستانه، و ... است که از حوزه‌ی سیاسی وارد حوزه‌ی اجتماعی می‌شود.

۱. قدرت نرم در اهداف حکومت اسلامی

اصول اخلاقی به‌عنوان یک اصل لایتغیر در اهداف حکومت اسلامی پذیرفته شده است که این امر موجب برجسته شدن وجه نرم‌افزاری در اهداف حکومت اسلامی است. بازتاب رفتار سیاسی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در تطبیق با اهداف حکومت، مهم‌ترین سند گویای فلسفه‌ی قدرت در حکومت اسلامی است. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

...خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما، برای به‌دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم، و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم... (نهج‌البلاغه، خ: ۱۳۱: ۱۷۵).

با توجه به فرمایشات امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) هدف غایی حکومت اسلامی، توازن حقوق در راستای اشاعه‌ی عدالت اجتماعی است که این هدف، تأمین‌کننده‌ی منافع ملی و جهانی اسلام در راستای برقراری صلح و امنیت جهانی است. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در راستای نیل به اهداف، ایدئولوژی ظلم‌ستیزی و دفاع از مظلوم را در دستور کار قرار می‌دهند که این ایدئولوژی در راهبرد مدیریتی مساوات بشر در برخورداری عادلانه از حقوق قابل تحقق است.

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) شخصیت رهبران را در برون‌دادهای سیاسی مؤثر قلمداد می‌کنند، لذا شخصیت رهبران باید مطابق با اهداف سیاست باشد. اگر هدف سیاسی برپایی حقوق و اجرای عدالت است شخصیت رهبر باید نماد حق‌محوری و عدالت‌گستری باشد در غیر این‌صورت جایگاه قدرت، محل انشعاب ظلم و ستم و ناحقی می‌شود و ماهیت ارزشی اهداف در جایگاه گفتاری و

ذهنی را کد می‌ماند. پیامدهای رفتار سیاسی در اسلام عصاره‌ای از اصول عقیدتی سیاسی است و همین امر موجب تطبیق روش و محتوای سیاست‌ها با پیام‌های ارزشی می‌شود. مورگنتا می‌گوید:

فرد ممکن است بگوید، «بگذار عدالت، حتی به بهای هلاکت جهانیان اجرا شود»، اما دولت حق ندارد به نام کسانی که تحت حمایت آن هستند چنین چیزی را عنوان کند... دولت حق ندارد اجازه دهد قباحات اخلاقی عملی چون تجاوز به حریم آزادی، راه رفتار سیاسی موفق را که خود ملهم از اصل بقای ملی است، سد کند. اخلاق سیاسی بدون دوراندیشی و حزم وجود ندارد (مورگنتا، ۱۳۸۹: ۱۹).

حزم و دوراندیشی رفتار سیاسی برترین فضیلت است اما توجیه تجاوز به حریم آزادی در قاعده‌ی بقا، کوتاه‌اندیشی سیاسی است. قاعده‌ی بقا در فقدان اصول اخلاقی، به مسیر فئای امپراتوری‌های روم و هخامنشیان و یا اتریش و عثمانی ختم می‌شود. دولت حق ندارد جهانیان را فدای بقای انحصارگرایی و منفعت‌محوری خود کند. قاعده‌ی بقای دولت، با پشتوانه‌ی وحدت ملت استمرار می‌یابد، و وحدت ملت در عدالت‌گستری دولت بازتولید می‌شود. نای می‌گوید:

اما فقدان یک اخلاق جنگی غالب در دموکراسی‌های مدرن نشان می‌دهد که استفاده از زور نیازمند توجیه اخلاقی استنادانه برای تضمین حمایت عمومی است؛ مگر این که پای بقای حکومت در میان باشد (Nye, 2004: 19).

نای حتی توجیه استنادانه‌ی استفاده از زور را از قاعده‌ی بقا مستثنی می‌کند و قاعده‌ی بقا را بر هنر تصنعی لفاظی‌ها و تصویرسازی‌های قدرت نرم الویت می‌دهد، یعنی توسل به حاکمیت قوانین جنگل در عصر اطلاعات با مجوز قاعده‌ی بقا نهادینه است.

چشم‌اندازهای ملی و جهانی اسلام که دارای بار ارزشی عام هستند و بر مبنای اصول اخلاقی و بشردوستانه استوار است، ثابت و لایتغیر است؛ به گونه‌ای که حتی اصل خودیاری و بقا، مجوز هنجارشکنی در ناحقی و بی‌عدالتی نیست. امیرالمؤمنین علی (ع) - اسلام ایده‌ی بقای حکومت اسلامی را نه در هنجارشکنی‌ها و تجاوز و تهاجم‌های اصل خودیاری، که در حق‌محوری و عدالت-گستری‌های اصل وحدت‌گرایی ارائه می‌دهند، اصلی که ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل را به سمت نظم و امنیت سوق می‌دهد. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند:

پس آن‌گاه که در زندگی گذشتگان مطالعه و اندیشه می‌کنید، عهده‌دار چیزی باشید که عامل عزت آنان بود، و دشمنان را از سر راهشان برداشت، و سلامت و عافیت زندگی آنان را فراهم کرد، و نعمت‌های فراوان را در اختیارشان گذاشت، و کرامت و شخصیت به آنان بخشید، که از تفرقه و جدایی اجتناب کردند، و بر وحدت و هم‌دلی همت گماشتند... (نهج‌البلاغه، خ ۱۹۲: ۲۸۱).

عدالت‌گستری و وحدت‌گرایی به‌عنوان پایه‌های اقتدار و قدرت حکومت اسلامی، لازم و ملزوم یک‌دیگرند. عدالت گسترده نمی‌شود جز در وحدت، و وحدت دوام نیابد جز در عدالت. بر این اساس، بنیاد و اصول اهداف حکومتی اسلام در سطح ملی و جهانی، بر بنای قدرت نرم استوار شده است.

امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) بعد از رحلت پیامبر(صلی الله علیه و آله) با توجه به شرایط مکانی و زمانی، مدت بیست و پنج سال را در انزوای سیاسی گذراندند، و این در حالی است که شاخص‌های قدرت نرم در سیاست انزوای ایشان بعد از گذشت هزار و چهارصد سال، هنوز هم نمایان است؛ حقانیت، جذابیت، مشروعیت، مقبولیت، رضایت، اعتبار، و اعتماد نسبت به سیاست انزوای امام علی(علیه السلام) در گلوگاه تاریخ حبس نشد و فرای زمان و مکان در حرکت است. لذا بررسی مؤلفه‌های مدیریت قدرت نرم در انزوای سیاسی امام علی(علیه السلام) ضرورت می‌یابد.

هنگامی که پیامبر(صلی الله علیه و آله) رحلت فرمود و امام علی(علیه السلام) به غسل و دفن آن حضرت مشغول بود، با ابوبکر به خلافت بیعت شد. در این هنگام زبیر و ابوسفیان و گروهی از مهاجران، با عباس و امام علی(علیه السلام) برای تبادل نظر و گفت‌وگو، خلوت کردند. آنان سخنانی گفتند که لازمه‌ی آن تهییج و قیام مردم بود. امام علی(علیه السلام) فرمود:

صبر اصل بردباری است، و پرهیزگاری دین است، و محمد(صلی الله علیه و آله) حجت است، و راه، راست و مستقیم است (ابن ابی- الحدید، ۱۳۷۵، ج: ۱: ۱۰۱-۱۰۰ و ۱۳۷۸، ج: ۱: ۲۱۹-۲۱۸). ای مردم! امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات، در هم بشکنید، و از راه اختلاف و پراکندگی بپرهیزید، و تاج‌های فخر و برتری جویی را بر زمین نهدید. رستگار شد آن کس که با یاران به پاخواست، یا کناره‌گیری نمود و مردم را آسوده گذاشت. این گونه زمامداری، چون آبی بد مزه و لقمه‌ای گلوگیر است... (نهج البلاغه، خ: ۵: ۳۳).

حزم و دوراندیشی امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) در حفاظت از بقای امت اسلامی، موجب شد تا ایشان از امتیازات کوتاه‌مدت سیاسی به نفع منافع ثابت کشور هزینه‌فایده کنند و با پذیرفتن انزوای سیاسی، مانع از ایجاد هرگونه شکاف و تفرقه‌ی داخلی شوند. امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) جهت بقای حکومت اسلامی، راهبرد بلند مدت وحدت‌گرایی را ضمیمه‌ی اهداف ملی و جهانی اسلام در تئوری اشاعه‌ی عدالت اجتماعی می‌کنند، یعنی قاعده‌ی بقا به‌عنوان تنها مجوز هنجارشکنی نظام بین‌الملل، در اسلام نمدی از صلح و امنیت است. اگر امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) از صلح و امنیت ملی و جهانی سخن می‌گوید، تحت هر شرایطی رفتارهای سیاسی را بر محوریت اصول اخلاقی تطبیق می‌دهد.

راهبرد بلند مدت سیاست‌های داخلی و خارجی اسلام بر مبنای اشاعه‌ی عدالت اجتماعی، و در راستای تعقیب سیاست صلح و امنیت ملی و جهانی قرار دارد. این راهبرد جز در بقای حکومت اسلامی قابل حصول نیست، و بقای حکومت اسلامی جز در وحدت امت اسلامی دوام نیابد. دوراندیشی امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) جهت نیل به اهداف جهانی سازی اسلام، سیاست مدارا با رقبای سیاسی داخلی را شکل داد. ایشان از امتیازات کوتاه مدت سیاسی به نفع منافع ثابت کشور هزینه‌فایده کردند و علاوه بر کناره‌گیری از سمت رسمی خویش، از تشکیل قطب‌بندی‌های مخالف، ممانعت به‌عمل آوردند. نای می‌گوید:

همه‌ی کشورها در سیاست خارجی، منافع ملی خود را تعقیب می‌کنند، اما در تعقیب منافع ملی، باید مشخص کنیم که منافع ملی را چه قدر وسیع یا محدود تعریف می‌کنیم. گذشته از این‌ها، قدرت نرم، بسیج دیگران به همکاری بدون استفاده از تهدید یا تطمیع است. از آن جایی که این بیشتر به جذابیت وابسته است تا اعمال زور یا پرداخت رشوه، بخشی از قدرت نرم به این بستگی دارد که چگونه اهداف مان را چارچوب‌بندی می‌کنیم. سیاست‌هایی که بر پایه‌ی تعاریف گسترده و دوراندیشانه از منافع ملی باشد برای دیگران جذاب‌تر است نسبت به سیاست‌هایی که محدودتر و فاقد دوراندیشی هستند. به همین نحو، سیاست‌هایی که ارزش‌های مهمی را ارائه می‌کنند، در صورتی که این ارزش‌ها مشترک هم باشند احتمال جذابیت‌شان بیشتر است (نای، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

وسعت دامنه‌ی سیاست‌های داخلی و خارجی اسلام، ارتقای سطح کیفی و کمی صلح و امنیت جهانی را شامل می‌شود که قابلیت به اشتراک‌گذاری در سطح عام را دارد. پیامد سرمایه‌گذاری‌های سیاسی در راستای نیل به اهداف صلح و امنیت ملی و

جهانی، نه در تجاوز و تهاجم قدرت سیاسی به اصول آزادی صلح و امنیت اجتماعی، که در حذف امتیازات کوتاه مدت قدرت سیاسی به نفع انسجام قدرت اجتماعی است.

۳. مدیریت قدرت نرم در حکومت امام علی (علیه السلام)

قاعده‌ی کلی در حقوق طبیعی (اگرچه توسط تئوریسین‌های حقوق طبیعی قراردادی احاطه شده است) تمرکز بر حقوق سیاسی اجتماعی افراد نسبت به حقوق اجتماعی اقتصادی آنان است. عدم توجه به هر دوی این‌ها می‌تواند منجر به فشار و سلب امنیت شود (May, 2005:36). حقوق مدنی و سیاسی از جمله حقوق اساسی بشر است؛ اما آیا با وجود شکم گرسنه می‌توان از این حقوق بهره‌مند شد؟! اگر از بازماندگان فجایع عظیم انسانی سؤال کنیم، خواهند گفت که نگرانی اصلی آنان در بازداشت‌گاه‌های کار اجباری، از رنج و درد گرسنگی بوده است. البته گرسنگی دادن، نتیجه‌ی سیاست‌های غیر انسانی و نژادپرستانه است، و آن چه به‌طور مستقیم، زندگی این افراد را تهدید می‌کرده، فقر و گرسنگی بوده است نه محرومیت از حقوق و آزادی‌های مدنی. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر اشعار می‌دارد که وظیفه‌ی دولت‌ها برای حفظ کرامت ذاتی انسان، بسیار بیشتر از وظیفه‌ی آن‌ها برای پوشاندن ردای حقوق بر تن افراد است. پیش از هر چیزی، انسان به پوشاک، غذا، مسکن، آموزش، خدمات درمانی و اجتماعی و شغل مناسب با درآمد کافی نیاز دارد تا فراغت کافی برای زندگی در کنار خانواده‌اش و کسب تجارب فرهنگی داشته باشد. وظیفه‌ی حکومت‌ها در فراهم کردن سطح زندگی متوسط برای شهروندان، در مواد ۲۴ و ۷ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، به‌عنوان حقوقی که برای حفظ کرامت و رشد شخصیت آزاد انسانی ضروری است، بیان شده است (رابرتسون، ۱۳۸۳، ص ۲۲۸).

اصول مطروحه در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ یعنی قرن بیستم، در مورد فراهم نمودن سطح زندگی متوسط برای شهروندان، توسط امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در چهارده قرن پیش، نه تنها مطرح شد بلکه به مقام تجربی رسید. این اصل، مهم‌ترین دغدغه‌ی مدیریتی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بود و چه زیبا فرمودند که «فقر، مرگ بزرگ است» (نهج البلاغه، ح ۱۶۳: ۴۷۵).

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تئوری عدالت اجتماعی را بر بنای عدالت اقتصادی قرار می‌دهند، و اولین گام در جهت اجرای راهبرد مساوات بشر در برخورداری عادلانه از حقوق را در زمینه‌ی اقتصاد بر می‌دارند؛ فقر با گسستن زنجیره‌های اتصال هرم طبقاتی جامعه، شکاف طبقاتی را موجب می‌شود و جامعه را به سمت نابودی سوق می‌دهد. عدالت اجتماعی جز بر بنای عدالت اقتصادی، هویت عینی نمی‌یابد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در روز دوم خلافت خود، در مورد اموال فراوان بیت‌المال که عثمان به بعضی از خویشاوندان خود بخشیده بود، فرمودند:

به خدا سوگند! بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیایم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت، گشایش برای عموم است، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است (نهج البلاغه، خ ۱۵: ۳۹).

اولین اقدام مدیریتی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، در نخستین روزهای حکومت ایشان، در زمینه‌ی اجرای عدالت اقتصادی صورت گرفت. اگرچه عدالت اقتصادی و شاخص‌های مرتبط با آن، جزء مؤلفه‌های مدیریت قدرت نرم است، اما اجرای عدالت اقتصادی نیازمند مدیریت قدرت هوشمند است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، در راستای اجرای عدالت اقتصادی و حذف شکاف طبقاتی، ابزار تهدید در قدرت سخت را در دستور کار قرار دادند. حذف شکاف طبقاتی، نیازمند هدف‌مند کردن بودجه‌های دولت است؛ مدیریت قدرت هوشمند امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) هدف‌مند کردن بودجه‌های دولت در راستای حذف شکاف طبقاتی را نه

در کاهش بودجه‌های حمایتی و رفاهی، که در عدالت اقتصادی اجرا می‌کند، و عدالت اقتصادی یعنی برگرداندن اموال غصب شده-ی دولت به چرخه‌ی اقتصاد جامعه؛ اموالی که غصب آن، اقلیت جامعه را به طبقه‌ی پردرآمدترین‌ها، و اکثریت جامعه را به طبقه‌ی کم‌درآمدترین‌ها، سوق داد و زنجیره‌های اتصال هرم طبقاتی را با ایجاد شکاف، از هم گسست. نای می‌گوید:

شکل متغیر توزیع درآمد کشور نیز مشکلی در اقتصاد آمریکا است. ...شکاف بین پردرآمدترین‌ها و افراد با درآمد متوسط در طی دهه‌ی گذشته رشد یافته است. تغییرات تقاضای کار که از کارگران کم‌سوادتر فاصله می‌گیرد، مهم‌ترین توجیه حقوق رو به کاهش است، مشکل جدای از این که مسئله‌ی عدالت باشد، این است که آیا نابرابری ممکن است منجر به واکنش سیاسی‌ای شود که بهره‌وری و نرخ بالای اقتصادی را که زیربنای قدرت نرم و سخت است، کاهش دهد یا خیر. قدرت نرم تولیدی اقتصاد آمریکا، مسئله‌ی حل نشده‌ای است. بسیاری از افراد، موفقیت اقتصاد آمریکا در بازه‌ی طولانی مدت را تحسین کرده‌اند، ولی حتی قبل از این که بحران اقتصادی، شهرت اقتصاد آمریکا را درهم بشکند، آن را یک مدل محسوب نکرده‌اند. دولت در اقتصاد ایالات متحده، نقش کم‌رنگ‌تری دارد، ...مراقبت بهداشتی آمریکا هزینه‌بر و از نظر نابرابری بی‌سابقه و تک بوده است (نای، ۱۳۹۰: ۲۹۷-۲۹۶).

اگر مدیریت قدرت هوشمند در آمریکا، بدون توجه به حذف شکاف طبقاتی در نابرابری‌های اقتصادی، دغدغه‌ی تثبیت اقتصاد بیمار، به‌عنوان زیربنای قدرت سخت و نرم را دارد؛ مدیریت قدرت هوشمند امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، دغدغه‌ی حذف شکاف طبقاتی در راستای برابری و موازات در عدالت اقتصادی را در دستور کار قرار می‌دهد، دستور کاری که نیازمند مدیریت بخش اقتصادی توسط دولت است. مدیریت قدرت هوشمند امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، با هویت بخشی عینی به مؤلفه‌ی عدالت اقتصادی، زیربنای قدرت سخت و نرم را در راستای اجرایی ساختن تئوری عدالت اجتماعی، به پشتوانه‌ی اقتصاد سالم مستحکم می‌کند. اگرچه حذف شکاف طبقاتی و برقراری عدالت اقتصادی، نیازمند قرار دادن وزنه‌ی عدالت در برابر طبقه‌ی اقلیت پردرآمدترین‌ها است و سنگینی وزنه‌ی عدالت بر این طبقه گران می‌آید و منجر به دافعه‌ی این افراد از مرکز قدرت، و واکنش تهاجمی آنان به مرکز می‌شود، اما سنگینی قدرت نرمی که از این محل کسب می‌شود شاخص‌های گرایشی حقانیت، جذابیت، اعتبار، اعتماد، رضایت‌مندی، و ... را فرای زمان و مکان، تثبیت می‌کند.

بهترین پیشنهاد برای داشتن هم قدرت سخت و هم قدرت نرم، قدرت هوشمند است (Nye, 2011: 24). قدرت هوشمند، توانایی ادغام جباریت یا تطمیع قدرت سخت با جذابیت قدرت نرم در یک استراتژی موفق است (Parmar and Cox, 2010: 9). امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) الویت‌های قدرت هوشمند را بر اساس تئوری توازن حقوق تنظیم می‌کند و راهبرد مساوات بشر در برخورداری عادلانه از حقوق را در دستور کار قرار می‌دهند به‌گونه‌ای که رفتار قدرت در تمام اشکال آن، بازتاب عدالت اجتماعی است. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) اشاعه‌ی عدالت اجتماعی را به‌عنوان یک اصل مهم حکومتی، حتی در صحنه‌های نبرد سخت، در راستای ایجاد صلح و امنیت ملی و جهانی مدیریت می‌کنند. نای می‌گوید:

یک راهبرد بزرگ، با تضمین بقا شروع می‌شود، ولی پس از آن باید بر فراهم آوردن کالاهای عمومی متمرکز شود. نظم بین-المللی تا حدی یک کالای عمومی جهانی است؛ چیزی که همه می‌توانند مصرف کنند، بدون این که در دسترس بودنش برای دیگران کم شود (نای، ۱۳۹۰: ۳۲۷).

از آن جایی که قدرت نرم جذابیت‌هایی است که ارزش‌های مشترک و عدالت و تکلیف دیگران برای شرکت در سیاست‌هایی که مطابق با این ارزش‌های مشترک باشد را پایه گذاری می‌کند، لذا مشورت‌های چندجانبه نسبت به ادعاهای یک‌جانبه از ارزش‌ها، احتمال بیشتری دارد که قدرت نرم تولید کند. سیاست‌هایی که ارزش‌های مهمی را ارائه می‌دهند در صورتی که این ارزش‌ها مشترک باشند احتمال جذابیت‌شان بیشتر است (Ilgen, 2006: 28).

وقتی که فرمول تضمین بقای حکومت اسلامی بر کالاهای عمومی متمرکز شده و بر بنیادهای عدالت اجتماعی و وحدت‌گرایی بنا شده است، الویت‌های مدیریت قدرت هوشمند امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) نیز بر اساس کالاهای مشترک جهانی در دستور کار قرار می‌گیرد. جمع عناصر قدرت سخت و قدرت نرم در مدیریت هوشمند امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در تبدیل به رفتار قدرت، برجستگی‌های عدالت اجتماعی را نمایان می‌کند. در ادامه جهت روشن شدن بحث، مدیریت قدرت هوشمند امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در جنگ‌های جمل و صفین به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دستورالعمل مدیریتی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در جنگ جمل، بازتاب اشاعه‌ی عدالت اجتماعی در جبهه‌ی دشمن است که رعایت کلیت ابعاد حقوق و آزادی‌های سپاهیان دشمن را در دستور کار قرار داده است. در صحنه‌ی نبرد جنگ جمل، چون دو گروه رویاروی یک‌دیگر ایستادند، امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) به سپاهیان خود چنین فرمودند:

شما جنگ را با این قوم شروع مکنید تا ایشان شروع کنند که به لطف خداوند، شما بر حجت و برهانید. خودداری شما از شروع جنگ، و اقدام آنان به جنگ حجت‌دیگری است، و چون با آنان جنگ کردید، هیچ زخمی و مجروحی را مکشید، و اگر ایشان را شکست دادید و گریختند، هیچ گریخته و پشت به جنگ‌داده‌ای را تعقیب مکنید، و هیچ عورتی را برهنه مسازید و هیچ کشته‌ای را مثله مکنید، و چون به قرارگاه ایشان رسیدید، هیچ پرده‌ای را مدیریت و وارد خانه‌ای مشوید و از اموال ایشان چیزی مگیرید، و هیچ زنی را با آزار خود به هیجان میاورید، اگرچه به شما و امیران شما و نیکوان شما دشنام دهند، که آنان ناتوان هستند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۹۶ و ۱۳۷۹، ج ۶: ۲۲۸).

مدیریت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، مؤلفه‌ی مدیریتی حقوق بشر در قدرت نرم را، در میدان نبرد قدرت سخت، به اجرا گذاشت و الویت‌های قدرت هوشمند را بر اساس عدالت اجتماعی تنظیم کرد. سیاست حقوق بشر در فضای عدالت اجتماعی، با مدیریت قدرت هوشمند، در تبدیل به رفتار قدرت، شاخص‌های حقانیت، جذابیت و مشروعیت قدرت نرم را در میدان قدرت سخت نمایان کرد. مدیریت هوشمند امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، برهان حقانیت در عدم جنگ‌افروزی را در برابر ابزار تهدید قدرت سخت دشمن، و برهان مشروعیت در دفاع را در برابر ابزار تهاجم قدرت سخت دشمن، به رفتار قدرت نرم تبدیل کردند؛ و در راستای اجرای سیاست حقوق بشر در میدان نبرد، مؤلفه‌های عینی مدیریت قدرت نرم را در دستور کار قرار دادند که عبارتند از:

الف) مصونیت زخمیان و مجروحین جنگی از کشتار

ب) مصونیت گریختگان میدان جنگ از تعقیب

پ) مصونیت سپاهیان دشمن از هتک حرمت

ت) تکریم اجساد کشته شدگان

ث) مصونیت حریم شخصی از تفتیش

ج) مصونیت اموال شخصی از غنائم جنگی

چ) مصونیت زنان از آزار

مدیریت قدرت هوشمند امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، با رعایت مؤلفه‌های مدیریت قدرت نرم در میدان نبرد سخت، به هویت ذهنی و ابزاری هنجارها در میدان قدرت سخت، هویتی عینی و واقعی بخشیدند. ایشان مؤلفه‌های مدیریت قدرت نرم را با رعایت

حقوق بشر در جبهه‌ی دشمن، به رفتار قدرت، در صدور عدالت اجتماعی به جبهه‌ی دشمن، تبدیل کردند که موجب نمایان شدن شاخص‌های مشروعیت، حقانیت، جذابیت و اعتبار شد.

در جنگ صفین، نخست شامیان بر شریعه‌ی فرات پیروز شدند و تصمیم گرفتند که امام علی(علیه‌السلام) و لشکر عراق را از تشنگی بکشند و آب را بر روی امام و یاران‌اش بستند؛ امام علی(علیه‌السلام) برای تصرف شریعه با آنان جنگ کرد و آن‌را به‌دست آورد و شامیان را از آن دور کرد. لشکریان امام علی(علیه‌السلام) به ایشان گفتند: اینک تو آنان را با شمشیرهای تشنگی بکش و آب را از ایشان بازدار تا این‌که تسلیم شوند؛ امام(علیه‌السلام) فرمود: «در لبه‌ی تیز شمشیر از این کار بی‌نیازی است و من هرگز روا نمی‌دارم که آنان را از آب بازدارم؛ و برای آنان راه گشود تا کنار آب آیند و سپس شریعه را میان خود و ایشان تقسیم کرد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۱۴ و ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۱۳).

در بند ۲۵ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک رم، راجع به جنایات جنگی، چنین آمده است:

تحمیل گرسنگی به غیر نظامیان به‌عنوان روش جنگی، یا محروم کردن آنان از موادی که برای بقایشان ضروری است؛ از جمله جلوگیری خودسرانه از رسیدن کمک‌های امدادی پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های ژنو (رابرتسون، ۱۳۸۳: ۵۸۱).

اصلی که در سال ۱۹۹۸ یعنی کم‌تر از دو دهه‌ی گذشته، در ردیف اصول حقوق جنگ در جنایات بین‌المللی گنجانده می‌شود، چیزی حدود چهارده قرن گذشته، توسط مدیریت هوشمند امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) در جنگ داخلی، و آن هم در مورد سپاهیان جبهه‌ی مخالف به اجرا گذاشته شد. حقوق بشر و یا ارزش‌های انسان‌دوستانه، اگر قرار باشد بنیاد سیاست را تشکیل دهد و رفتار قدرت نرم را ایجاد کند باید از درون به بیرون اشاعه یابد. همان چیزی که نای تحت عنوان «شهر روی تپه» به آن اشاره کرده است. نای می‌گوید:

به جای تمرکز صرف بر کنش‌گران دولتی و تلاش‌های متمرکز برای تغییر سیاست‌های خاص، هم‌چنین باید تأثیر «شهر روی تپه» و جذب به‌واسطه‌ی الگو شدن را در نظر داشته باشیم. تا جایی یک اجتماع برای اجتماع دیگر جذابیت دارد، که آن اجتماع بتواند محیط قدرت‌بخشی را برای اهداف عمومی و هم‌چنین تصمیمات مشخص‌نخبگان ایجاد نماید. در این‌جا، هدف قدرت نرم، افکار عمومی کلی و نگرش‌های فرهنگی است. بیشتر تاریخ‌دانانی که این دوره را مطالعه کرده‌اند، موافقند که علاوه بر لشکریان و پول، قدرت آمریکا برای ترویج چنین اهدافی در اروپای پس از جنگ، شدیداً تحت تأثیر فرهنگ و عقاید بود؛ حتی با این‌که برنامه‌های دولتی هم‌چون طرح مارشال حائز اهمیت بودند، اما تاریخ‌دانان این دوره، بر تأثیر بازیگران غیر دولتی نیز تأکید می‌نمایند: «مدیران شرکتی و تبلیغی آمریکا، و هم‌چنین رؤسای استودیوهای هالیوودی، نه تنها محصولات خود، بلکه فرهنگ و ارزش‌های آمریکایی و رازهای موفقیت این کشور را به باقی جهان می‌فروختند». چنان‌که یکی از صاحب‌نظران نروژی بیان می‌کند: «فدرالیسم، دموکراسی و بازارهای آزاد، بازنماینده‌ی ارزش‌های محوری آمریکایی بود، و این همان چیزی است که آمریکا صادر می‌کرد». این امر، حفظ آن‌چه را که او «امپراتوری ابدایی» می‌خواند، آسان‌تر کرد (نای، ۱۳۹۰: ۱۶۱-۱۶۰).

اگر هدف قدرت نرم اتحاد و انسجام باشد، ایجاد نمادین مشروعیت جنگ و همراه با آن چشم‌انداز مشروعیت جهان جدید، رویه‌ای است که تأثیرات قدرت نرم را مضاعف و منتشر کرده است (Chouliaraki, 2007: 2). محیط قدرت بخشی که از شهر روی تپه و در یک مقطع زمانی خاص و محدود صادر شد، نه به خاطر دلارهای طرح مارشال، یا دموکراسی و بازار آزاد آمریکا، که به خاطر تصویرسازی‌ها و تبلیغات شبکه‌های هالیوودی، هارواردی، مایکروسافتی، و مایکل جردنی بوده است؛ تبلیغاتی که زاویه‌ی دید را از بالا به پایین و از بیرون به درون شکل داد و جذابیت نمای شهر روی تپه را آشکار کرد؛ جذابیتی که دیری نپایید و در

شکاف طبقاتی داخلی و شکاف توسعه‌ی بین‌المللی، نزول کرد و بنای منفعت‌طلبی و انحصارگرایی شهر روی تپه، آشکار شد؛ بنایی که امواج تبلیغات هم، دیگر توان پوشش آن‌را ندارند. بازتاب آن‌چه امروز از شهر روی تپه صادر می‌شود، جز افزایش انزجار عمومی نیست. راهبرد مدیریت قدرت هوشمندی که ترکیب قدرت سخت و نرم را در وادی انحصار و در راستای منفعت، عملیاتی کند، نتایج رفتار قدرت سخت را در تهاجم، و قدرت نرم را در استثمار، نمایان می‌کند و هر دو سر طیف قدرت را به سلطه‌گری پیوند می‌دهد.

۳. قدرت نرم در تئوری حکومت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)

حقوق، نشأت گرفته از ذات الهی است. بین آفریده‌های خداوند، حقوق در برابر هم قرار می‌گیرد و جریانی دو طرفه را شکل می‌دهد. حق رهبر بر مردم، و حق مردم بر رهبر، حق والدین بر فرزندان، و حق فرزندان بر والدین، حق استاد بر شاگرد، و حق شاگرد بر استاد... این جریان دو طرفه، متوازن است، یعنی اگر حق به سود کسی اجرا شود ناگزیر روزی به زیان او نیز به کار رود. حقوق نامتوازن که ضرر و زیان آن‌را بر نمی‌تابد فقط از آن خداوند است، و وابستگی نامتوازن فقط در ارتباط با خداوند شکل می‌گیرد که به موجب قدرت و عدالت او، حق طاعت بر بندگان واجب می‌شود، و بخشندگی ذات الهی، اراده‌ی پاداشی دو چندان بر این طاعت گماشته است. آن‌گاه که این توازن حقوق بین آفریده‌های خداوند متعادل باشد، آرامش و امنیت برقرار است، اما اگر انحصارطلبی و یا خود بزرگ‌بینی عده‌ای، مجوز صدور منفعت‌طلبی در حقوق شود و تعادل را بر هم‌زند، امنیت و آرامش از بین می‌رود و ظلم و ستم آشکار می‌شود. در ادامه، ساختار توازن حقوق با استناد به خطبه‌ی ۲۱۶ نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار می‌گیرد. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

پس از ستایش پروردگار! خداوند سبحان برای من، بر شما، به جهت سرپرستی حکومت، حقی قرار داده و برای شما همانند حق من، حقی تعیین فرموده است، پس حق گسترده‌تر از آن است که وصفش کنند، ولی به هنگام عمل، تنگنایی بی‌مانند دارد... (نهج‌البلاغه، خ ۲۱۶: ۳۱۷-۳۱۵).

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) با طرح تئوری توازن حقوق که هم‌زمان قابلیت تعمیم به سطح واحد و ساختار را دارد، ایده‌ی یک جامعه‌ی جهانی مبتنی بر توازن حقوق را ارائه می‌دهند. آن‌چه از فرمایشات ایشان در این زمینه می‌توان استخراج کرد عبارتند از:

- ۱) ارکان اصلی ساختار توازن حقوق، مردم و زمامداران هستند.
- ۲) مهم‌ترین عامل قدرت‌بخش در ساختار توازن حقوق، تعامل عادلانه‌ی نیروهای سیاسی و نیروهای اجتماعی است.
- ۳) اصول اتحاد در ساختار توازن حقوق بر مبنای رابطه‌ی حق و تکلیف صورت می‌گیرد.
- ۴) اتحاد دائمی است و چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، منافع عام و جهان‌شمول را در برمی‌گیرد.
- ۵) هدف غایی در ساختار توازن حقوق، اجرای عدالت اجتماعی در راستای تکریم انسانیت است.
- ۶) در ساختار توازن حقوق، قدرت در تمام وجوه آن، ابزار نیل به هدف عدالت‌گستری است.
- ۷) حراست از ساختار توازن حقوق در برابر نیروهای نامتوازن کننده، نیازمند کاربرد وزنه‌ی عدالت در راستای ظلم‌ستیزی و دفاع از مظلوم است.

۸) در ساختار توازن حقوق، تمام اعضای جامعه‌ی جهانی در برخورداری عادلانه از حقوق، برابر و مساوی هستند.

۹) تنظیم الویت‌ها در ساختار توازن حقوق، بر مبنای عدالت عام و فراگیر در راستای حقوق بشر صورت می‌گیرد.

۱۰) در ساختار توازن حقوق، دموکراسی و مردم‌سالاری دینی حکم‌فرما است.

در اصطلاح رفتاری، قدرت نرم قدرت جذابیت است؛ در اصطلاح منابع، قدرت نرم دارای‌هایی هستند که چنین جذابیتی را تولید می‌کنند (Nye, 2006:3). جذابیت تئوری توازن حقوق امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) با مدیریت عدالت‌گستر ایشان در راهبرد مساوات بشر در برخورداری عادلانه از حقوق، بازتاب تکامل بنیادی قدرت نرم در گفتمان اسلامی است که نُمایی ویژه از پیوند ابعاد ذهنی و عینی قدرت نرم را ارائه می‌دهد. تئوری توازن حقوق امام علی (علیه‌السلام)، که توسط ایشان در پهنای حکومت اسلامی عملیاتی شد قابلیت تعمیم به سطوح خرد و کلان را دارد. این تئوری از کوچک‌ترین اجتماعات بشری یعنی خانواده، تا بزرگ‌ترین اجتماعات بشری یعنی جامعه‌ی جهانی، قابل تعمیم است. ویژگی بارز این تئوری فرا زمان و فرا مکان بودن آن است و مختص به زمان و یا مکان خاصی نیست.

یاری شدن و یاری رساندن در برپایی حق، نیازمند مدیریت هوشمند در کاربرد وزنه‌ی متوازن کننده‌ی تزلزل حقوق است، مدیریتی که در برابر ناحقی مجاز به کاربرد قدرت سخت می‌باشد اما در چارچوب رعایت حقوق و اجرای عدالت؛ دستور کار چنین مدیریتی، اجرای راهبرد مساوات بشر در برخورداری عادلانه از حقوق است. حق به تنهایی و به خودی خود استوار نخواهد شد مگر با مقابله علیه ناحقی؛ و این مقابله علیه ناحقی، مدیریت قدرت نرم حکومت علوی را به قدرت هوشمند، پیوند می‌دهد. اصول قدرت هوشمند علوی، بیان می‌دارد که ضعف و قدرت، ملاک یاری کردن در حق و کاربرد وزنه‌ی عدالت نیست، بزرگ بودن قدر و منزلت در حق، و بالا بودن ارزش‌های دینی هیچ‌کسی مانع از نیازمندی او در یاری رساندن حق نمی‌شود، و خوارترین افراد نیز نه تنها در ستاندن حق باید یاری شوند بلکه وجودشان در وزنه‌ی متوازن کننده مؤثر است. آن‌گاه که حقوق، نامتوازن شود، ضعیف و قوی، نیازمند یاری شدن، و مؤثر در یاری رساندن هستند.

نتیجه‌گیری

در اندیشه‌ی سیاسی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) مؤلفه‌های مدیریتی قدرت نرم فاقد کاربرد ایزاری هستند، آن‌چه موجب حضور این مؤلفه‌ها در سیاست‌های ایشان می‌شود هدف نیل به ماهیت ارزشی آن‌ها است؛ به عبارتی مؤلفه‌هایی هم‌چون عدالت اجتماعی، حقوق بشر، مساوات و برابری، مواسات و کمک‌های بشردوستانه و ... در اندیشه‌ی سیاسی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) هدف غایی سیاست در راستای تکریم انسانیت است نه ابزار نیل به اهداف انحصاری و سودمحور سیاست.

ایده‌ی جهانی‌سازی در اندیشه‌ی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در چارچوب تئوری توازن حقوق قابلیت تفسیر و ارزیابی را می‌یابد. نظم جهانی مد نظر اسلام، تأمین کننده‌ی منافع استراتژیک و بلندمدت بشریت در معنای عام آن و فارغ از هرگونه نژاد، مذهب و قومیت است، به گونه‌ای که فرایند اشاعه‌ی ارزش‌های عام جهان‌شمول در عمل‌گرایی‌ها، بازتاب عدالت اجتماعی در سطح واحد و ساختار است و سایر ملیت‌ها با هویت‌های مختلف را پوشش می‌دهد. در این راستا شناسایی روندی کلیدی که بر سایر فرهنگ‌ها مؤثر واقع شده نمایانگر ظهور نوعی فرهنگ جهان‌گستر اسلامی است. وحدت‌های فراملی مذاهب و قومیت‌های گوناگون در راستای «ظلم ستیزی و دفاع از مظلوم» ریشه در اندیشه‌ی عدالت‌گستر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) دارد که با درجات متفاوتی به سراسر جهان اشاعه یافته است.

آنچه موجب تمایز نتایج قدرت نرم در اسلام و غرب می‌شود اهداف مدیریت قدرت است که به دو طیف جداگانه‌ی اندیشه‌های خدامحور در اسلام و اندیشه‌های سکولار در غرب منتهی می‌شود. مدیریت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) جهت نیل به اهداف صلح و امنیت، راهبرد مدیریتی کاربرد عدالت در برپایی حقوق بر اساس اصل مساوات بشری را عملیاتی کردند و الگویی جهت اشاعه‌ی عدالت اجتماعی از درون به بیرون ارائه دادند. اگر مدیریت قدرت نرم غربی در تبدیل منابع قدرت به رفتار قدرت مؤلفه‌هایی فاقد هویت ارزشی را ارائه می‌دهد، مدیریت قدرت نرم علوی در تبدیل منابع قدرت به رفتار قدرت، مؤلفه‌هایی با پشتوانه‌ی هویت ارزشی را ارائه می‌دهد؛ اگر خروجی‌های قدرت نرم غربی تناقض سیاست‌های اعلانی و اعمالی را آشکار می‌کند، خروجی‌های قدرت نرم علوی تطبیق سیاست‌های اعلانی و اعمالی را آشکار می‌کند؛ و اگر فناوری قدرت نرم غربی یک فناوری نمادین است و بر محوریت جذابیت‌های ذهنی، تولید قدرت می‌کند؛ فناوری قدرت نرم علوی یک فناوری نهادین است و بر محوریت جذابیت‌های عینی، تولید قدرت می‌کند. این تفاوت دیدگاه‌ها جایگاه ممتاز و تأثیرگذار قدرت نرم در اندیشه‌ی سیاسی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) را مشخص می‌کند و دیگر جایی برای مباحث اثبات فرضیه باقی نمی‌گذارد.

فهرست منابع

الف - منابع فارسی

ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد. (۱۳۷۵). *جلوه تاریخ در شرح نهج‌البلاغه* (جلد ۳ و ۱). ترجمه: محمود مهدوی دامغانی. تهران: انتشارات نی.

دشتی، محمد. (۱۳۸۵). *ترجمه نهج‌البلاغه*. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام).

رابرتسون، جفری. (۱۳۸۳). *جنایات علیه بشریت*. ترجمه: گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی، زیر نظر حسین میرمحمدصادقی. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مورگنتا، هانس جی. (۱۳۸۹). *سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح*. ترجمه: حمیرا مشیرزاده. تهران: وزارت امور خارجه.

نای، جوزفاس. (۱۳۸۶). «منافع قدرت نرم». ترجمه: ناصر بلیغ. علوم سیاسی: مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۳۶. از ۱۱۶ تا ۱۰۷. قابل دسترسی در:

<http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/317160>

نای، جوزفاس. (۱۳۸۹). *قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*. ترجمه: سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری (مقدمه: اصغر افتخاری). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

نای، جوزفاس. (۱۳۹۰). *آینده‌ی قدرت*. ترجمه: رضا مرادصحرایی، سیدظاهر شریعت‌پناهی و سید حسین ارجانی. تهران: انتشارات حروفیه با همکاری مؤسسه‌ی تحقیق و توسعه‌ی نوین دانشمند.

ب- منابع عربی

ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد. (۱۳۷۸). شرح نهج‌البلاغه (جلد ۲ و ۱). قم: مکتب آیت الله مرعشی نجفی عامه.

ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد. (۱۳۷۹). شرح نهج‌البلاغه (جلد ۶). قم: مکتب آیت الله مرعشی نجفی عامه.

ج- منابع لاتین

Chouliaraki, Lillie. (2007). *The Soft Power of War*. Published by Publication Data.

Hyden, Craig. (2012). *The Rhetoric of Soft Power: Public Diplomacy in Global Contexts*.
Published by Lexington Book.

Ilgen, Thomas L. (2006). *Hard Power, Soft Power and the Future of Transatlantik Relations*.
Published by Ashgate Publishing Limited.

May, Larry. (2005). *Crimes Against Humanity: A Normative Account*. New York: Combridge
University press.

Nye, Joseph S. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York: Public
Affairs.

Nye, Joseph S. (2006). *Soft Power, Hard Power, and Leadership* .
www.hks.harvard.edu/netgov/files/talks/docs/11_06_06_seminar_Nye_Hp_Sp_Leadership

Nye, Joseph S. (2011). *The Future of Power*. United States: Public Affairs.

Parmar, Inderjeet and Cox, Michael. (2010). *Soft Power and Us Foreign Policy Theoretical,
Historical and contemporary Perspectives*. Published by Routledge.